

به دنبال انعکاس تحریف شده بیانات حضرت آیت الله خامنه‌ای در دیدار اخیر

خط حزب الله منتشر می‌کند:

## اصل جمله رهبر انقلاب چه بود؟

پیرو سخنان حضرت آیت الله العظمی خامنه‌ای (مدظله العالی) رهبر معظم انقلاب اسلامی که در تاریخ ۲۲ مرداد ماه در جمع هزاران تن از اقشار مختلف مردم بیان شد، از آنجایی که برخی از حاضران درباره‌ی فرآزی از سخنان معظم‌له دچار ابهام شدند و به دنبال آن، این فرآز انعکاس تحریف شده‌ای در رسانه‌ها یافت، به اطلاع می‌رساند: فرمایشات معظم‌له ناظر به صدور اجازه برای مذاکرات وزیر خارجه دولت یازدهم و همتای آمریکایی‌اش بوده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی در این دیدار فرمودند:

«در قضیه برجام، بنده اشتباه کردم اجازه دادم که وزیر خارجه‌ی ما با آن‌ها صحبت کند، ضرر کردیم.»



ریشه مشکلات  
اقتصادی کشور از کجاست؟

۳



ویژه‌نامه دیدار  
۲۲ مرداد ۹۷

چرا مذاکره با  
آمریکا ضرر دارد؟

۲

شهادت، یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی | این شماره تقدیم می‌شود به روح پرفروش شهید سرهنگ خلبان محمد نوزده

بهترین مردن‌ها، شهادت است. بالاترین اجرا برای انسانی که در راه خدا مبارزه می‌کند، نوشیدن شربت گوارای شهادت است. خوشا به حال آن عزیزان، و گوارا باد بر آنها این نعمت بزرگ الهی! آنها با شهادت، اجرشان را گرفتند. شهادت، یعنی وارد شدن در حریم خلوت الهی، و میهمان شدن بر سر سفره‌ی ضیافت الهی؛ این کم چیزی نیست؛ این خیلی با عظمت است. پروردگارا! تو را به حق خون شهیدان، تو را به حق اولیاییت، تو را به حق صاحب‌الزمان (ارواح‌نافذاه)، مرگ ما را هم به شهادت در راه خود قرار بده. ● ۷۰/۱۰/۱۱



۳. سوّم، از طرف مقابل مذاکره امتیاز نقد می‌خواهند، از او وعده قبول نمی‌کنند؛ می‌گویند ما اطمینان نداریم، امتیاز نقد از او مطالبه می‌کنند... اگر چنانچه طرف مقابل از دادن امتیاز نقد امتناع بکند، هوچی‌گری تبلیغاتی و رسانه‌ای و هیاهو در سطح دنیا راه می‌اندازند که بله، اینها مذاکره نمی‌کنند... یک هیاهوی عظیمی که معمولاً طرف مقابل کم می‌آورد در مقابل این هیاهو؛ معمولاً طرف مقابل منفعلی می‌شود، دچار انفعال می‌شود.

۴. چهارم، خودش به جای اینکه در مقابل آنچه از او نقد می‌گیرد چیز نقدی به او بدهد، مثل هر معامله‌ای که شما پول می‌گیرید و جنس باید بدهید، جنس نمی‌دهد؛ نقد را می‌گیرد، در مقابلش وعده می‌دهد، اما وعده‌های قرص و محکم: مطمئن باشید، تردید نکنید، شک نکنید؛ با وعده دل طرف مقابل را خوش می‌کند و طرف مقابل [هم] می‌بیند دارد وعده می‌دهد با این قرصی و با این محکمی.

۵. مرحله‌ی آخر؛ بعد که قضیه تمام شد و کارش گذشت، زیر همین وعده هم می‌زند، این وعده‌ی قرص و محکم را هم مثل باد هوا فراموش می‌کند! روش مذاکره‌ی آمریکایی‌ها این است... خوب با این طرف مقابل نمی‌شود مذاکره کرد؛ با این دولت نمی‌شود مذاکره کرد. درباره‌ی مسائل گوناگون، هر دولتی که با این دولت مذاکره کند، [او] مشکل درست می‌کند؛ مگر اینکه هم جهت باشند مثل انگلیس.



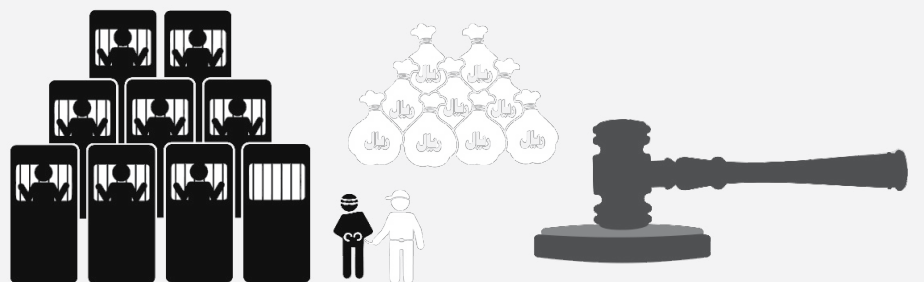
## چرا مذاکره با آمریکای ضار دارد؟

آمریکایی‌ها همیشه درخواست داشته‌اند با ما مذاکره کنند. حالا ما چرا مذاکره نمی‌کنیم؟... علت، این است: آمریکایی‌ها فرمول مذاکره‌ی شان این است که می‌گویم:

۱. مذاکره اولاً در عرف سیاسی به معنای نشستن و حرف زدن و احوالپرسی کردن که نیست، مذاکره یعنی دادوستد... خوب، آمریکایی‌ها چون متکی هستند به قدرت نظامی و قدرت پولی و قدرت رسانه‌ای وقتی که با یک طرفی می‌خواهند مذاکره کنند، اهداف اصلی خودشان را قبلاً برای خودشان مشخص می‌کنند؛ حالا بعضی از آن اهداف را به زبان هم می‌آورند، بعضی را هم نمی‌گویند؛ در اثنای کار مرتب دبه می‌کنند، مرتب اضافه می‌کنند، مرتب چانه می‌زنند، اما اهداف اصلی برای خودشان مشخص است.

۲. دوّم، از این اهداف اصلی یک قدم عقب نمی‌نشینند. بله، اهداف فرعی و چیزهای بیخودی کم‌ارزش را در حاشیه گاهی می‌آورند و از آنها صرف‌نظر می‌کنند که به‌ظاهر یک نوع عقب‌نشینی است، اما از مقصود اصلی و اهداف اصلی‌شان مطلقاً عقب‌نشین نمی‌کنند، امتیاز اصلاً نمی‌دهند.

۱. یکی از کارهایی که حتماً باید انجام بگیرد، مقابله‌ی با فساد است. این نامه‌ای که رئیس محترم قوه‌ی قضائیه پریروز به ما نوشتند و ما هم جواب دادیم و تأکید کردیم، یک گام مهم مثبتی است برای مقابله‌ی با فساد و مفسد؛ مفسد بایستی مجازات بشود. خوب حالا چرا این را ما علنی می‌گوییم و اصرار می‌کنیم؟ برای خاطر اینکه تجربه نشان داده که وقتی با فساد و با مفسد، مواجهه و مقابله صورت می‌گیرد، جیب و دودهایی از گوشه و کنار بلند می‌شود.



## دستور مهم رهبر انقلاب برای مبارزه با فساد

۲. بعضی‌ها وقتی درباره‌ی فساد حرف می‌زنند، افراطی حرف می‌زنند، حواستان باشد! یک جور حرف می‌زنند که گویا همه فاسدند... نه آقا، این جور نیست؛ یک تعداد کمی فاسدند... بعضی‌ها تعبیرات فرنگی هم به کار می‌برند: «فساد سیستمی»؛ نه آقا!... این همه مدیر پاک‌دست، این همه کارگزار مؤمن و پاک‌دست در سرتاسر کشور در همه‌ی دستگاه‌ها وجود دارند، دارند زحمت می‌کشند؛ چرا به اینها ظلم می‌کنید؟... بله! در نظام اسلامی یک نفر هم نباید فاسد باشد؛ اما آنچه وجود دارد، مثلاً ده فاسد است، نه ده هزار فاسد؛ خوب اینها خیلی تفاوت دارد؛ این را توجه داشته باشید. بعضی‌ها در حرف زدن، در نوشتن؛ حالا که دیگر فضای مجازی هم هست، راحت برمی‌دارند اینجا و آنجا می‌نویسند «قاعده‌ها را فساد گرفته»؛ نه آقا! این جور نیست... توجه داشته باشید که افراط و تفریط در همه‌ی چیزها غلط است.

۲. من ده دوازده سال قبل از این یک نامه‌ای نوشتم به سران سه قوه درباره‌ی فساد؛ آنجا گفتم که این یک... از ده‌های هفت سر است؛ فساد این جور است، یک سرش را زدی، چند سر دیگر دارد که بالا می‌آیند؛ باید به‌طور کامل با آن مواجهه بشود. اینکه علنی می‌کنیم، برای این است که همه بدانند، همه بفهمند بنا است با مفسد بدون رعایت هیچ ملاحظه‌ای برخورد قاطع صورت بگیرد.

## ریشه مشکلات اقتصادی کشور از کجاست؟



۱. مشکلات معیشتی، امروز چیزی است که آحاد مردم، همه آن را احساس می‌کنند؛ یک بخشی از مردم هم بشدت و واقعا زیر فشارند؛ گرانی هست؛ در مواد غذایی، گوشت، تخم مرغ، مرغ، بقیه‌ی چیزهای لازم در زندگی، اجاره بهای مسکن، دروسایل منزل، وسایل دیگر و امثال اینها... مشکلات اقتصادی کنونی کشور است. کارشناسان اقتصادی کشور و بسیاری از مسئولین، متفقند بر اینکه عامل این حوادث، تحریم‌های خارجی نیست، عامل این حوادث، درونی است، مشکلات داخلی است. بسیاری از مسئولین هم این را بر زبان آورده‌اند، گفته‌اند... نه اینکه تحریم‌ها اثر ندارد؛ چرا، تحریم‌ها هم اثر دارد؛ اما عمده‌ی تأثیر، مربوط به عملکرد ماها است... بیشتر مشکل، ناشی از مسائل درونی و داخلی خود ما است.



۲. نقدینگی عظیمی در کشور به وجود آمده که این هم ناشی از اشتباهات است؛ خود این یکی از سیاست‌های اشتباه است که نتیجه‌اش این شده است که نقدینگی در کشور افزایش پیدا کند که مشکلات فراوانی را به وجود آورده... مؤکداً سفارش می‌کنم که بنشینند فکر کنند، از آدم‌های وارد و مطلع و باهوش کمک بگیرند و راه‌هایی پیدا کنند برای هدایت این نقدینگی عظیم به سمت تولید؛ می‌شود، این کار شدنی است، این کار عملی است؛ وظیفه‌ی مسئولین محترم دولتی و اقتصادی است و باید این کار را انجام بدهند.

۲. در همین قضیه‌ی ارز و سگّه و این حرف‌هایی که این دو سه ماهه پیش آمد، خب، مبالغ زیادی... بر اثر بعضی از بی‌تدبیری‌ها و بی‌توجهی‌ها، آمد دست افرادی که از آن سوءاستفاده کردند... خب اینها مشکلات مدیریتی است؛ این ربطی به تحریم ندارد. مسئولین محترم کشور، به این معنا اذعان دارند؛ قبول دارند که مشکل این جوری هست؛ بنابراین بسیاری از مشکلات از این قبیل است. مشکلات، مربوط به نحوه‌ی مدیریت ما و نحوه‌ی سیاست‌گذاری اجرایی ما است... ارز را یا سگّه را وقتی که به صورت غلط تقسیم می‌کنند، این دو طرف دارد: یکی آن که می‌آید این را می‌گیرد... یکی آن که این را می‌دهد. ماهم‌اش داریم دنبال آن کسی که «می‌گیرد» می‌گردیم... درحالی که تقصیر عمده متوجه آن کسی است که «داد»؛ او را باید دنبال کرد... لکن بالاخره یک تخلص انجام گرفته، یک خطای بزرگ انجام گرفته... که ضررش به مردم برگشت. وقتی این جور قیمت ارز ترقی پیدا می‌کند - یعنی قیمت ریال می‌آید پایین - خب برای آن کارمندی که روزمزد است یا حقوق اندکی دارد، دیگر چیزی باقی نمی‌ماند.

## حرف خائنانه‌ای که بعضی افراد آن را تکرار می‌کنند

در کشور هیچ بن‌بستی وجود ندارد؛ در همین زمینه‌ی اقتصادی، هیچ بن‌بستی وجود ندارد. این جور نیست که راه‌حل نباشد؛ نخیر، مشکلات کشور، مشکلات اقتصاد، شناخته شده است، راه‌حل‌ها هم شناخته شده است. کئنده‌ها باید ان شاء الله همت کنند، دامن همت به کمر بزنند، که خب شروع کرده‌اند؛ اینکه دشمن و به تبع دشمن یک عده آدم پست داخلی در فلان مطبوعه، در فلان سایت اینترنتی این جور تبلیغ کنند که «کشور دیگر به بن‌بست رسید، هیچ راهی وجود ندارد جز اینکه پناه ببریم به فلان شیطان یا فلان شیطان اکبر»؛ این دیگر خبثات است. دستگاه‌های تبلیغاتی - چه صداوسیما، چه مطبوعات، چه این وبگاه‌های فضای مجازی - بذر ناامیدی نپاشند در مردم؛ جوری حرف نزنند که یک عده‌ای را ناامید کنند از اسلام... گاهی در یک روزنامه‌ی، در یک برنامه‌ی تلویزیونی‌ای، یا در یک برنامه‌ی رادیویی، جوری حرف زده‌ی می‌شود که آدم می‌بیند «عجب! مثل اینکه همه‌ی درها بسته است»؛ خب این جور نیست؛ درها بسته نیست... اگر کسی اعلام کند که نخیر، نمی‌شود دیگر کاری کرد و دیگر کار از کار گذشته - [یعنی] اعلام بن‌بست - اگر کسی چنین کاری را بکند، یا جاهل است یا حاحل عرض کردم من نمی‌خواهم نسبت خیانت به کسی بدهم اما حرف خائنانه است؛ اگر ناشی از جهالت نباشد.

## هر کس جنگ با ایران را آغاز کند، صد در صد ضرر خواهد کرد

آنها تعرض بکنند ممکن است ضربه بزند، اما ضربه‌ی بزرگ‌تر را خودش خواهد خورد؛ کم‌اینکه تا حالا این جور بوده. آمریکایی‌ها یک بار هم اینجا حمله کردند به طیس - یادتان هست - خودشان را نجس کردند، بر گشتند رفتند!

را ما شروع نکرده‌ایم... آمریکایی‌ها هم جنگ را شروع نمی‌کنند، برای اینکه گمان می‌کنم آمریکایی‌ها هم می‌دانند که اگر جنگی را اینجا شروع کنند، صد در صد به ضررشان تمام خواهد شد... جمهوری اسلامی و ملت ایران آن مجموعه‌ای هستند که هر کس به

هم داریم دیگر اینها را بترسانند... جنگ نخواهد شد؛ چرا؟ برای خاطر اینکه جنگ دو طرف دارد: یک طرف ما هستیم، یک طرف او است؛ ما که خب جنگ را شروع نمی‌کنیم، ما هیچ جنگی را شروع نکرده‌ایم. افتخار جمهوری اسلامی این است که هیچ جنگی

جنگ را صریحاً نمی‌گویید می‌جنگیم اما به خیال خودشان با اشاره و با کنایه و با این حرف‌ها می‌خواهند بگویند خلاصه ممکن است جنگ راه بیفتد. شیخ جنگ را بزرگ می‌کنند برای اینکه یا ملت را بترسانند یا ترسوها را بترسانند؛ چون بالاخره ما یک مشت ترسو

۲. از جنگ فرهنگی هم مایوسند. ببینید... یک حرکت وسیع فرهنگی علیه کشور ما در دهه‌ی ۷۰ شروع شد؛ حالا شما نگاه کنید؛ متولدین دهه‌ی ۷۰، امروز دارند می‌روند به عنوان مدافع حرم جان می‌دهند... چه کسی این را حدس می‌زد؟ در همان دورانی که آن تهاجم وسیع فرهنگی بود، این گل‌ها در بوستان جمهوری اسلامی شکفته شدند، این نهال‌ها رویدند، حججی‌ها درست شدند؛ پس ما در جنگ فرهنگی پیروز شدیم و دشمن در جنگ فرهنگی شکست خورد.



۱. آمریکا امروز متمرکز شده بر جنگ اقتصادی با ما؛ جنگ نظامی نیست و نخواهد شد اما جنگ اقتصادی هست. الان متمرکزند روی جنگ اقتصادی؛ چرا؟ چون از جنگ نظامی مایوسند.



۳. در جنگ امنیتی - سیاسی هم ما پیروز شدیم. جنگ امنیتی - سیاسی شان سال ۸۸ و حوادث سال ۸۸ بود. برای آن حوادث سال‌ها زحمت کشیده بودند؛ آن جور حوادث یک‌ساعته و یک‌روزه که به وجود نمی‌آمد؛ چند سال برای آن زحمت کشیده بودند؛ ملت ایران و نظام جمهوری اسلامی بر توطئه‌ی دشمن فائق آمد و پیروز شد.



۴. حالا دشمن بعد از شکستی که در جبهه‌ی فرهنگی خورده و در جبهه‌ی امنیتی خورده و در جبهه‌ی سیاسی خورده و در جبهه‌ی نظامی خورده، متمرکز شده روی جبهه‌ی اقتصادی... در جنگ اقتصادی هدف آمریکا ایجاد نارضایی است؛ هدفشان این است؛ می‌خواهند نارضایی ایجاد کنند بلکه بتوانند این نارضایی را به اغتشاش داخلی تبدیل کنند... دارند پول خرج می‌کنند، زحمت می‌کشند برای اینکه یک حادثه درست کنند، این جور از آب درمی‌آید؛ ملت به هوش است، ملت با بصیرت است... بله، قضایای معیشت، مردم را فشار می‌دهد، خیلی‌ها هم اوقاتشان تلخ است، ناراضی‌اند، اما زیر بار توطئه و خواست سیای آمریکا و فلان رژیم بدبخت روسیه که ملت ایران نمی‌رود!

